

معرفی برخی نفایس خطی کتابخانه آیت الله العظمی گلپایگانی

ابوالفضل عربزاده

در مجموعه خطی کتابخانه آیت الله العظمی گلپایگانی (ره)، اوراقی کهن از ترجمه فارسی قرآن موجود است که سند گرانبهائی از کوشش ایران اسلامی و نشان دهنده تلاش ایرانیان از قدیم ترین ایام تا عصر حاضر در ترجمه قرآن به زبان فارسی است. این اوراق، برگ زرینی بر تاریخ ترجمه قرآن به زبان فارسی می افزاید. باتوجه به واژه های کهن و رسم الخط آن، احتمال داده می شود که ترجمه قرآن در قرن پنجم باشد. سبک انشای ترجمه، با ترجمه تفسیر طبری به تصحیح و اهتمام حبیب یغمائی، چاپ دانشگاه تهران به سال ۱۳۴۰ش، شباهت زیادی دارد، و تفاوت هائی نیز به چشم می خورد که در مقایسه، ملاحظه خواهد شد.

قطع کتاب ۲۴×۱۵ سانتیمتر و در هر صفحه، ۱۵ سطر به طول ۱۲ سانتیمتر با خط نسخ کهن و ترجمه آن، به نسخ تحریری با مرکب قرمز کتابت شده است. در این اوراق، بخشی از سوره اعراف، رعد، هود و یوسف دیده می شود. در حاشیه یکی از صفحات، نقشه ای به صورت گلابی زیبا، و در وسط آن، شمس و میان دایره، زرافشان و اطراف آن، دندان موشی با رنگ ها و خطوط مختلف است.

همچنین سرلوحه سوره یوسف، با کتیبه طلائی و دو طرف کتیبه، با مرکب قرمز رنگ آمیزی شده است. کلمات فارسی، در زیر کلمات قرآن به نسخ تحریری، با مرکب قرمز و هر جا کلمه الله است، با مرکب قرمز نوشته شده است. دارای زیر و زبر و تشدید و اعراب است. ضروری است درباره

اختصاصات کتابت متن و ویژگی های دستوری آن، نکته هائی به اختصار عرضه شود:
برفردکار: پروردگار؛ آنک: آنکه؛ بیغامبران: پیغمبران؛ جون: چون؛ بذر: پدر.

دال در اغلب مواضع، منقوط و گاهی نیز غیر منقوط است. از وضع کاغذ و ویژگی های دستور خط اثر، می توان حدس زد و احتمال قوی داد که در سده پنجم کتابت شده باشد. این اوراق را، صحاف خوش سلیقه ای (؟) که از مرمت و حفاظت نسخه های خطی بی اطلاع بوده است، جدیداً در کاغذ برآق رنگی به صورت قاپ در اندازه ۲۵ × ۳۵ سانتیمتر درآورده و آن ها را جدول کشی و کمنداندازی کرده است. اوراق قرآن را به کاغذ برآق چسبانده؛ به طوری که یک طرف از قرآن خوانده نمی شود و مرکب لغزش جبران ناپذیری شده است. اینک، نمونه آیاتی از سوره یوسف، با حفظ رسم الخط و در مقایسه با ترجمه تفسیر طبری، ملاحظه فرمائید.

(سوره یوسف / آیه ۵)

جون گفت یوسف بذر خود، بذر من دیدم من (یکی) یازده ستاره و آفتاب و ماه بدیدم مرا سجده کنده. گفت: ای بسرک من، قصه مکن خواب بر برادران خود؛ بس مکر کننده مر ترا مکر کرد که دیو مردم را دشمنی بیدا.

(ترجمه تفسیر طبری)

و جون گفت یوسف بدر خویش را که: ای بدر من دیدم یازده ستاره و آفتاب و ماهت اب دیدم ایشان را مرا سجده کنا. گفت: ای پسر مه قصه کن خواب خویش را بر برادران تو که کید کنند ترا، کیدی حقا که دیو مردمان را دشمنی است هویدا.

به نظر می رسد متن این اوراق - که با نسخ تحریری بسیار کهن کتابت شده - با متنی که روانشاد حبیب یغمائی از نسخه کتابخانه سلطنتی مکتوب به

سال ۶۰۶ ق. اساس طبع خویش قرار داده، قدمت
بیش تری دارد.

◆ پی نوشت

۱- محمد بن جریر طبری، ترجمه تفسیر طبری (تهران:
دانشگاه تهران، ۱۳۴۰)، جلد ۳، ص ۷۳۸.



بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
أَلَمْ نَكُتُبْ لَكَ آيَاتِ الْكِتَابِ
الْحُسْبَىٰ ۗ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا
لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ۗ لَمْ نَخُصْ بِكَ
عِلْمًا أَحْسَنَ الْقِصَصِ مِمَّا
أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَٰذَا الْقُرْآنَ
وَأَنْتَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْغَافِلِينَ ۗ
إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا
أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ
كَوْكَبًا وَهُوَ لَشَمْسٌ ۗ وَالْقَمَرُ
لَا يَنْبَغُ لِي سِجْدٌ لِمَا سِجَّدَ لَهُ
لِأَنْتَ رَبِّي ۗ قَالَ يَا بُنَيَّ
لَا تَقْضُصْ ذِكْرَ بَنِي إِسْرَائِيلَ
عَلَيْكَ إِخْوَتُكَ فِيكَ يَدُلُّكَ
أَنَّ الْفِتْيَانَ لِيَنْتَظِرُواكَ
فَإِن كُنْتُمْ مِنَ الْغَافِلِينَ ۗ

کد: ۳۲
۵۵

انجام: فی رغوه البول و زبده اذا كان على وجهه
زبد مع... البول زبد اذا كان شبيه بالعنب، كان دالاً
على وجع الكلى. تم كتاب البول و الحمد لله فى ربيع
الآخر سنة (ستة) یا سبعة و اربعين و ثلث مائه.

اشاره به نسخه:

این نسخه - که به صورت (عکس) و تصویر برگرفته
از فیلم است - در بعضی فهرست‌ها معرفه البول و
کتاب البول نامیده شده (کتاب مهمی در طب و در
موضوع ادرارشناسی بیماران است، و در شناخت
ماهیت، رنگ، بو، وزن، منافع و مضرات، طعم، املاح
و امثال ذالک بول به بحث پرداخته، در مجموع اقاویل
طیبیان را در موضوع بول جمع‌آوری کرده و در عمل
مانند آزمایشگاه همین زمان است. این نسخه، از نظر
پزشکی کم‌نظیر است و شامل ده باب:

۱. مایه البول و هیولاه؛
 ۲. لم صار بول اللیل افضل دلالة من بول النهار؛
 ۳. دلائل البول الدلالة على الامراض؛
 ۴. منفعة البول و مضرته؛
 ۵. اختلاف البول و اقسامه؛
 ۶. معرفه قوام البول؛
 ۷. فیما یأتلّف من الوان البول مع الرقة او مع الغلظ؛
 ۸. معرفه ثقل البول و اقسامه و دلائله؛
 ۹. فیما یأتلّف من الوان البول مع الفرع الرقیق او الغلیظ؛
 ۱۰. فیما یختص به کل واحد من اشخاص البول و الثقل و ینفرد من الدلائل دون غیره.
- الباب الاول فى مایه البول و هیولاه. قال اسحق:
ان البول هو مایه الدم ... الخ.

اشاره به مؤلف:

اسحق بن سلیمان القیروانى / ابویعقوب (۰۰۰ -
۳۲۰ هـ.)، از طبیبان معروف قرن چهارم هجرى

مجموع من اقاویل الاوائل فى معرفه البول و
اقسامه و دلائله

مؤلف و گردآورنده: اسحق بن سلیمان القیروانى
(۰۰۰ - ۳۲۰ هـ.)

شماره فهرست‌نگاری: ۶۱۴۵

تاریخ اهدا به کتابخانه: قبل از افتتاح کتابخانه

اهداکننده: آقا مهدی گلپایگانی (ره)

موضوع: طب (ادرارشناسی)

زبان: عربی

تعداد صفحه: ۱۰۱ صفحه

تعداد سطر: ۲۴ و ۲۵

اندازه سطر: ۱۰ سانتیمتر

اندازه کتاب: ۲۲ × ۳۰ سانتیمتر

نوع خط: نسخ (قدیم)

نوع کاغذ: تصویربرداری شده از فیلم (کاغذ ۸۰

گرمی)

حاشیه: اندک تصحیحاتی مشاهده می‌شود.

عناوین: سرفصل‌ها، با قلم نسخ درشت مشخص

شده.

نوع جلد: مقوا با گالینگور قهوه‌ای (صحافی

جدید)

تاریخ کتابت: ۳۴۶ یا ۳۴۷ ق.

نام کاتب: ندارد.

تزیین: ندارد.

آغاز: بسمله، صلی علی محمد و آله و سلم تسلیماً،

کتاب مجموع من اقاویل الاوائل فى معرفه البول و

اقسامه و دلائله، مما عنى لجمعه و تألیفه اسحق بن

سلیمان الاسرائیلی المتطبب و صیره عشرة ابواب.

الباب الاول فى مایه الدم و هیولاه.

است. علاوه بر علم طب، در حکمت و منطق نیز تبخر داشته و از پزشکان خاص «عبیدالله مهدی»، اولین خلیفه فاطمی مصر بوده است.

وی، اهل مصر است که مدتی در قیروان سکونت داشته؛ عمرش طولانی بوده است. نوشته‌اند در حدود صد سال عمر کرده، و تألیفات زیادی داشته است. عناوین [بعضی از آنها، عبارت است از: الحمیات، المدخل الی المنطق، بستان الحکمه، الاغذیه و الدویه و... که برخی از آنها به چاپ رسیده است. اصل این نسخه، در واتیکان است.

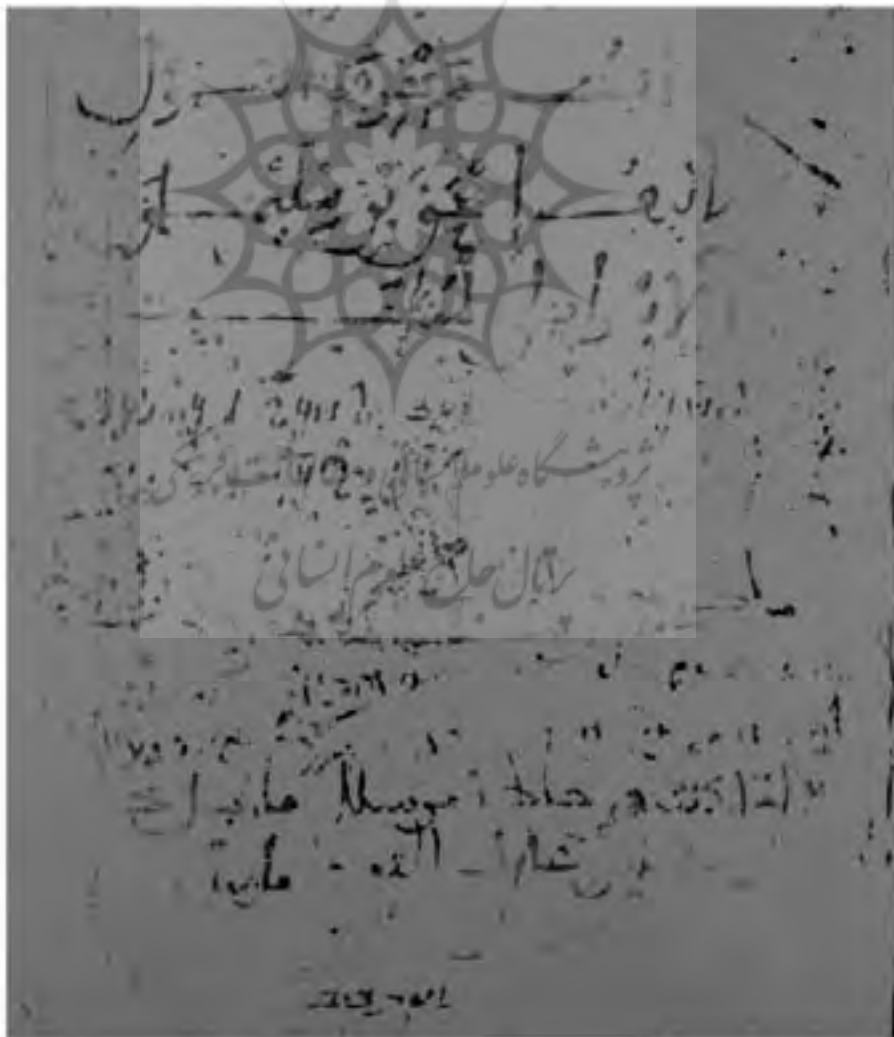
برای اطلاع بیشتر تر بنگرید به: عیون الانباء عمر

رضا کحاله؛ معجم المؤلفین، ۲/۲۳۴؛ کشف الظنون، ص ۲۳۴؛ ایضاح المکنون ۲/۲۷۵؛ و هدیة العارفین، ص ۱۹۹.

◆ پی نوشت

- ابن ابی اصیبعه، عیون الانباء فی طبقات الاطباء، صص ۴۷۹-۴۸۱.

- سید صادق اشکوری، المخطوطات العربیة فی مکتبة الفاتیکان (قم: دارالهدی، ۱۳۸۱)، ص ۳۷.



كتاب في معرفة النجوم
 من تأليف الفيلسوف المشهور
 ابن سينا
مختصر في النجوم
 تأليف الفيلسوف المشهور
 ابن سينا
 في معرفة النجوم
 من تأليف الفيلسوف المشهور
 ابن سينا

كتاب في معرفة النجوم
 من تأليف الفيلسوف المشهور
 ابن سينا
مختصر في النجوم
 تأليف الفيلسوف المشهور
 ابن سينا
 في معرفة النجوم
 من تأليف الفيلسوف المشهور
 ابن سينا

کد: ۳۵
۴۰

داخل جلد کاغذ ابرویاد است.

تاریخ کتابت و تألیف: ۱۸۸۱ق. و آن را از عدد حروف ابجدی عنوان کتاب (زیبا بیاض دلگشا) برگرفته است.

نام کاتب: میرزا احمد (نام کاتب توضیح داده خواهد شد).

تزیین: این نسخه، هنری و تزیینی و در نوع خود بی نظیر است. دارای دو سر لوح مزین به نقوش هندسی با گل و برگ‌های هنری ریز زیبا، مُدْهَب به طلای زرد و سرخ و الوان سبز و لاجوردی و نارنجی با چهار حاشیه و کمند و کتیبه‌ای مزین به آب طلاست که در متن آن بسم الله الرحمن الرحیم نوشته شده است.

تمام صفحات، با دو رنگ، متن قهوه‌ای کمرنگ و حاشیه سفید، دارای جداول مختلف با ۱۴ رنگ ترسیم شده، هر صفحه به رنگ‌های متفاوت و نقشه‌های منظم و دقیق هندسی و گل و برگ‌های زیبا و شاهکارهای اعجاب‌انگیز هنری است. بعضی صفحات را بین سطور طلااندازی کرده، با تذهیب و تشعیر و تحریر مزین نموده، ظرافت و لطافت رنگ‌های دلپذیر و هنر نقاشی با نقش‌های دلفریب و خطوط خوش و میناکاری را به کمال رسانده است.

متأسفانه از صفحه ۶۵۴ تا ۶۶۸ ساقط شده. در این صفحات - که فصل آخر اشعار است - احتمالاً نام صریح کاتب آمده بوده و از بین رفته است.

آغاز: دیباچه‌ای منثور به خط شکسته در وصف کتاب و مؤلف آمده؛ متأسفانه صفحه اول آن از بین رفته است.

آغاز موجود: چنین است ... هرگاه دست بسیار بخشش بر کافه ناس به وظیفه گوهرریزی پردازد، دشمن و دوست از گرانباری کرم ... الخ

آغاز متن: با غزلی از صفی‌قلی بیک متوفای ۹۰۷ق. شروع می‌شود.

عنوان نسخه: زیبا بیاض دلگشا

مؤلف و گردآورنده: میرزا احمد ...

شماره دفتر کل: ۴۳۳۲۲

تاریخ اهدا به کتابخانه: ۱۳۷۱/۷/۱۱

اهدائنده: حضرت آیت‌الله العظمی گلپایگانی

(ره)

موضوع: اشعار، ادبیات فارسی، نظم و نثر

زبان: فارسی

تعداد برگ: ۵۹۰ و ۱۱۸۰ صفحه

تعداد سطر: دو صفحه اول (دیباچه) ۱۶ و ۱۷

سطر و اندازه هر سطر، ۱۰ سانتیمتر است. دیگر سطور هر صفحه به یک شکل زیبا نقاشی شده؛ دارای جدول‌بندی الوان و زرین با خطوط هندسی است. سطرها از چپ و راست و طول و عرض به قلم زرین و سیاه است. گاهی بین سطرها طلای یکپارچه و گاهی زرافشان‌گری شده و سطور صفحات، مختلف است.

اندازه: دف کتاب ۲۷×۱۵ سانتیمتر

نوع خط: ممتاز و عالی، نسخ، تعلیق، نستعلیق،

شکسته، شکسته تعلیق (دیوانی)، رقاع و ثلث، و همه خطوط، بسیار زیبا و پخته است.

نوع کاغذ: سمرقندی نازک براق، متن صفحه به

رنگ قهوه‌ای کمرنگ و حاشیه سفید است.

حاشیه: بیش‌تر صفحات حواشی داخل کمند، به

قلم نسخ نازک و ممتاز اشعاری نوشته است.

عناوین: اسامی شاعران و سرفصل‌ها و بندهای

ترجیع‌بند و ترکیب‌بند و ابیات بعضی قصاید، به شنجرف و مرکب قرمز مزین شده است.

نوع جلد: مقوای ضخیم (دف) آن با کاغذ

یشمی، عطف و گوشه‌های آن، با تیماج قرمز و در

الهی غنچه ذکر خفی گردان، دهانم را
مکن گویا به حرفی جز ثنای خود، زبانم را

انجام: از منشآت موسوی خان فطرت در طلب
رنگ نقاشی است.

ترتیب و ارسال نمایند. ممکن است که این معنی
صورت پذیر شود. چهره شاهد مطلوبش، محتاج به
ریختن رنگ طلب مباد. تمت.

اشاره‌ای به نسخه

این نسخه - که در نوع خود کم‌نظیر است - هر
صفحه‌اش به رنگی و نقشه‌ای مزین به نقوش دقیق
و منظم هندسی، با تذهیب و تشعیر و ترصیع،
تحریر، حل کاری، افشانگری با مرکب الوان، با
کمند و جدول‌های مختلف با گلبرگ‌های زیبا که
با آب طلا و الوان متعدد (۱۴ رنگ) ترسیم شده
است که با خطوط شکسته، تعلیق، نسخ، ثلث و
نستعلیق و... کتابت نموده و بین سطور را طلااندازی
کرده و هنر نقاشی و میناکاری را به کمال رسانده
است. در صفحه اول و در وسط کتاب، دو سرلوحه
مزدوج بسیار زیبا و کتیبه مزین به طلای زرد دارد.
محتوای نسخه، گلچینی است منثور و منظوم،
برگرفته از دیوان‌ها و اشعاری از شاعران بزرگ مانند
سعدی، حافظ، امیر علیشیر، مخلص، متین، مشتاق،
ناصرعلی، فطرت، قاسم، شوکت، صائب، وحید،
سالک یزدی، سلیم گیلانی، درکی قمی، فغفور
لاهیجی، نظیری، ضمیری، زکی همدانی، همایون
اسفراینی، طالب آملی، امیر حضوری قمی، صیدی
تهرانی، ملاعلیرضا تجلی، ملا فرج الله شوشتری،
حکیم رکنای، مسیح کاشانی، سخا اصفهانی، وفا
خوارزمی، عرفی شیرازی، محتشم کاشانی، حکیم
سوزنی، میرمسعود سمنانی و ده‌ها شاعر دیگر و
شعرها در قالب‌های شعری فرد، دوبیتی، رباعی،
قطعه، غزل، قصیده، مثنوی، ترجیع‌بند، ترکیب‌بند،

مستزاد، قبسات، منقبت و مخمس، مسدس، مسبع،
مثن، متسع، معشر و سوگندنامه و بزیمه (بزمنامه)،
رزیمه (رزمنامه)، بحر طویل و منشآت در وصف
کمی آب اصفهان، قلیان، انگور، شمشیر و طلب
رنگ نقاشی و بسیاری مطالب ادبی دیگر است، و
در آغاز متن، نسخه، با غزل صفی‌قلی بیک متوفای
۹۰۷ ق.، چنین شروع می‌شود:

الهی غنچه ذکر خفی گردان، دهانم را
مکن گویا به حرفی جز ثنای خود، زبانم را

و در صفحه بعد، غزلی به همین وزن و قافیه از
ناصرعلی نقل کرده که طلیعه آن، چنین است:
الهی شوخی حرف تجلی کن، زبانم را
قبول خاطر موسی نگاهان کن، زبانم را

و بعد، غزلی دیگر از شاعری به نام شوکت
آورده:
خدایا رنگ تأثیری کرامت کن، فغانم را
به موج اشک بلبل آب ده، تیغ زبانم را

و دیباچه، در توصیف کتاب و تمجید مؤلف است
که توضیح آن، در اشاره به مؤلف بیان می‌شود.

اشاره به مؤلف

دیباچه اول نسخه، حدود سه صفحه در توصیف
کتاب و مدح مؤلف و کاتب است. متأسفانه صفحه
اول آن افتاده و عنوان کتاب را، **زیبا بیاض دلگشا**
نام نهاده که حروف آن به حساب عدد ابجدی،
۱۱۸۸ می‌شود و تاریخ کتابت نیز محسوب
می‌گردد. نویسنده دیباچه، مؤلف و کاتب را با
تمجید فوق‌العاده، میرزا احمد نامیده و از این‌گونه
تمجید، به احتمال قوی برمی‌آید که منظور، میرزا
احمد نیریزی باشد.

مهدی بیانی در کتاب خود که شرح احوال ۱۵۶۲

مشهور بوده است.

با تفحصی که در احوال خوشنویسان و کتاب‌های تراجم شد، در این مقطع از زمان بجز میرزا احمد نیریزی، میرزا احمد دیگری نیافتم.

این جمله - در اواخر دیباچه آمده است - انتساب خط را به میرزا احمد نیریزی قوت می‌بخشد ... به کارفرمائی ملا زمان، آن عالی آستان نخلبند، این نوآیین گلشن بهشت مانند، مؤید به تأیید سرمد میرزا احمد شمس‌الدین، قبل فی شانہ ... (اگر شمس‌الدین را درست خوانده باشم)، خطاط این نسخه، بجز میرزا احمد نیریزی کس دیگری نخواهد بود و بعد از چند سطر تعریف و تمجید، نوشته است:

خوشنویس را گردآورده، نوشته است: «میرزا احمد نیریزی؛ نام پدرش شمس‌الدین محمد، در حدود سال ۱۱۰۰ در اصفهان مقیم شده و عمر خود را به تحریر قرآن و ادعیه و صحایف اشتغال داشته و بعضی قطعات اشعار نیز به خط استاد دیده شده است.»

آن‌گاه به قرآن‌ها و آثار احمد نیریزی پرداخته که دارای نام احمد نیریزی و تاریخ کتابت است. آنچه بیانی در مجموعه خود آورده، در خلال سال‌های ۱۰۹۴ تا ۱۱۷۷ ق. است که جمعاً ۸۳ سال می‌شود. اگر ثابت شود این نسخه به خط میرزا احمد نیریزی است، معلوم می‌شود که استاد نیریزی، هم عمر طولانی داشته و هم از آغاز جوانی به خوشنویسی

مرحبا بر دست و بازوی مسوّد، مرحبا

سحر پردازی نمود از خامه جادونما

سیر این بتخانه معنی زهوش بس که برد

از رقم شد خامه چون دیوانگان زنجیرخا

دیده را نتوان زروی صفحه‌اش برداشتن

سطر سطر او شود نظاره را زنجیر پا

یافت این مجموعه دانش چو زیب انصرام

گفت تاریخش هما «زیبا بیاض دلکشا»

۱۱۸۸ =

ز	ی	ب	ا	ب	ا	ی	ا	ض	د	ل	ک	ش	ا
۷	۱۰	۲	۱	۲	۱	۱۰	۱	۸	۴	۳۰	۲۰	۳۰۰	۱

۱۱۸۸ =

پی‌نوشت

- برای اطلاع بیش‌تر، بنگرید به: مهدی بیانی، *احوال و آثار خوشنویسان*، ص ۱۰۲۹، شماره ۶۴؛ و *ریحانة الادب*، جلد ۶، ص ۲۷۵ و ۲۷۶؛ فرهاد میرزا، *زنبیل*، صص ۴۹-۵۰؛ و آقا بزرگ طهرانی، *الذریعه*، جلد ۱، ص ۳۸۹.





مسبحی و تعالیٰ و در این آیه نور خیره افشال و نور حدیقا ان الی غیر ما و غیره و سبب واراد
کلمه عاقله و محرم باد سخن بر حسیه توأم باد بدانکه باره کلام لفظی و معنی و حرفی از سبب و کلمات
بجز اینها هر دو یک لفظ از او مشتقند و بالعاقبت شوازه و سبب عاقله و محرم و سخن که از نوعی و فیه سماوی است
بدریختی است که جانت و یوم ارباب که از آنست و بعد از آنکه دهنت هم مشرب حیا بر ساق گشته باشد که آنرا غیر
بعد از مشاهده اشیاء اجماع نموده و قانولت بنا را این مقام لذت عذراست طبع و عاقلانی منکر که همان راست
سگت و مانا اشاره در کلمات مذکور غیر از دار الویو عاقله عجمی نماز برتر نمیکند از آنکه در بعضی کلمات
در بعضی دعوت که گویند و در کتابت قدم از هر چه در سبب کمال عقلا شانه هفتاد و هشت
در این کتابت از هر چه در کتابت و در کتابت و در کتابت و در کتابت و در کتابت و در کتابت
مخرج و عاقله و محرم است و در کتابت و در کتابت و در کتابت و در کتابت و در کتابت
از سبب و در کتابت و در کتابت و در کتابت و در کتابت و در کتابت و در کتابت
همه هم عاقله و محرم است و در کتابت و در کتابت و در کتابت و در کتابت و در کتابت
بدرستی که کلام بود و در کتابت و در کتابت و در کتابت و در کتابت و در کتابت
بنت که گوید که در کتابت و در کتابت و در کتابت و در کتابت و در کتابت
بدریان که گوید که در کتابت و در کتابت و در کتابت و در کتابت و در کتابت
و در کتابت و در کتابت و در کتابت و در کتابت و در کتابت و در کتابت
در کتابت و در کتابت و در کتابت و در کتابت و در کتابت و در کتابت
در کتابت و در کتابت و در کتابت و در کتابت و در کتابت و در کتابت
در کتابت و در کتابت و در کتابت و در کتابت و در کتابت و در کتابت
در کتابت و در کتابت و در کتابت و در کتابت و در کتابت و در کتابت
در کتابت و در کتابت و در کتابت و در کتابت و در کتابت و در کتابت
در کتابت و در کتابت و در کتابت و در کتابت و در کتابت و در کتابت